

به بهانه تعطیلی این روزهای مدارس و ادارات، به دلایل مختلف

# فیتیله، همه چی تعطیل!

دقیقا اولین هفته‌ای که رسماً اعلام شد مدارس، پنجشنبه‌ها هم تعطیل است، یک سرمقاله تند و تیز در نشریه‌ای نوشتیم که در سطح آموزش و پرورش هم توزیع می‌شد. حرفم این بود که مناره را در حالی دزدیده‌اند که قبلیش چاله را نکنده‌اند. به عبارت بهتر، بدون این که بدانند می‌خواهند در این روز، دانش‌آموزان به چه کاری مشغول شوند و خلاصه برنامه ویژه‌ای برای آنها رقم بزنند، مهر تعطیلی را به پیشانی پنجشنبه‌ها زدند.

مقاله‌ام که چاپ شد، صدای خیلی‌ها در آمد بابت این انتقاد و خلاصه همه تلاش‌شان را کردند تا نشریه از جلوی دست همه مسئولین پاک شود. مدت‌ها گذشت و با این که آن زمان کسی حرفش بدهکار من نبود، بعدها چند بار قانون تعطیلی مدارس تغییر کرد و مدتی به مدارس سپرده شد و هنوز هم که هنوز است نگرانی در مورد این که نوجوان‌ها وقتی پنجشنبه مدرسه نمی‌روند، کار مفیدی انجام می‌دهند یا نه. مسأله وقتی تلخ شد که آمار بزه در روزهای پنجشنبه بیشتر شد. البته یکی از مهم‌ترین پیشنهادها هم این بود که به جای تعطیلی، فرصتی در اختیار تشکلهای دانش‌آموزی قرار می‌گرفت تا رویدادها و برنامه‌های‌شان را با اعضای خود رقم بزنند.

برخی معتقدند ما اصولاً تعطیل هستیم و برخی روزها می‌رویم سر کار یا مدرسه. در حالی که در کشورهای دیگر در حالت عادی این میزان تعطیلی وجود ندارد. خودتان یک حساب سرانگشتی کنید در مورد سه ماه تابستان، ۱۳ روز عید نوروز، ۵۲ تا پنجشنبه و جمعه و کلی مناسبت‌های ملی و مذهبی. خب، تا اینجا بیش از ۱۰۰ روز تعطیل است. این وسط تعطیلی مدارس بابت آلودگی هوا و سرما و این اواخر کرونا دیگر شورش را درآورد.

البته در مورد مدرسه خوشبختانه راه افتادن سیستم آموزشی مجازی، راهکاری برای جبران روزهای تعطیل غیرقابل پیش‌بینی کرده است اما وقتی پای مشاغل وسط می‌آید و می‌خواهیم درباره کارآفرینی و تولید و صادرات و امثال آن حرف بزنیم و به عنوان یک نوجوان یا جوان، نسبت به مشکلات اقتصادی

یا نیمه‌تعطیل خارج شده‌اند. همین چند وقت پیش بود که رئیس‌جمهور گفت هیچ بانکی حق ندارد واحد تولیدی را تعطیل کند. بانک‌ها اگر جایی را تملک می‌کنند باید یا خودشان آنجا را راه‌اندازی کنند یا سریعاً به افراد توانمند واگذار نمایند.

سیاست فعال‌سازی واحدها و کارخانه‌های تعطیل شده و راه‌اندازی مجدد خطوط تولید، از اولویت‌های مهم دولت سیزدهم به‌شمار می‌رود و حجت‌الاسلام رئیسی همچنان که پیش‌تر و در زمان ریاست بر قوه قضاییه این برنامه را با جدیت دنبال کرده بود، در زمان حضورش در پاستور نیز به آن جامه عمل پوشاند و بسیاری از کارگران بیکار شده را به کارخانه‌ها برگرداند. آمارها نشان می‌دهد که در یک سال اخیر ۲۵۶۰ واحد اقتصادی نیمه‌تعطیل و را که به کمک نیروهای مردمی احیا شده است و امیدواریم که این روند ادامه هم داشته باشد.

سرما و مشکلات گاز و آلودگی و... این روزها موجب تعطیلی چند چیز دیگر هم شد. مثلاً سینماها و اماکن ورزشی. شاید با خودتان بگویید طبیعی است. من اما نگرانم. مثلاً وقتی مدرسه هم که باز می‌شود باز کلاس ورزش تعطیل است. لابد به خاطر سرما و این که اغلب مدارس فضای مناسب گرم و سرپوشیده برای ورزش بچه‌ها ندارند. حالا ورزش کی مشخص می‌شود؟ وقتی آمار عجیب و غریبی از دانش‌آموزان منتشر می‌شود که دچار اضافه‌وزن یا مشکلات دیگر در سیستم سلامت خود هستند.

حرف من این است ای کاش می‌شد برای همه چیز جایگزین داشت. یعنی اگر شاد می‌تواند کاری برای درس دانش‌آموزان کند، برای ورزش آنها هم فکری کرده‌اند؟ اصلاً به اندازه کافی زمین ورزشی و موقعیت مناسب برای بعد سلامت جسمانی دانش‌آموزان فراهم هست؟ یا باید باور کنیم که اساساً در گرما و سرما، در هوای سالم و ناسالم، ورزش در مدارس ما تعطیل است. در مورد هنر هم همین‌طور است. گرچه سینما که مثالش را زدیم هم در مورد نوجوانان بی‌رحم است. یعنی اگر سینماها باز هم باشند اصولاً فیلم مناسب این نسل را ندارند.

کشورمان تحلیل درست داشته باشیم، باید به این آمار دقت کنیم که سهم تولید ثروت توسط منابع انسانی در ایران ۳۴ درصد اعلام شده است که اگر تصور کنیم ۳۶۵ روز را هم فرد مشغول باشد در کل، بهره‌وری، اندکی ارتقای باید. به عبارت ساده‌تر مسأله اصلی این نیست که خیلی روزها را تعطیلیم، بلکه نگرانی در مورد بهره‌وری و کارآمدی آدم‌هاست. این که از ساعاتی که در طول روز سر کار هستند، چقدرش مفید است! این ایام، چند روزی درگیر نوع جدید از تعطیلی شدیم. تعطیلی بابت مدیریت مصرف گاز، خب، این از آن فرصت‌هایی است که دشمنان و بدگویان نظام می‌توانند سریع دست بگیرند و ما را مقایسه کنند با کشورهای که مدت‌هاست حرف از مشکلات‌شان در مورد تامین گاز و گرمایش می‌شنویم، ولی طبیعتاً این حرف‌ها قابل قبول نیست و این مقایسه خنده‌دار است، چرا که اگر ادارات و مدارس ما تعطیل شد، برای این بود که مشکلی برای خانه‌ها پیش نیاید. البته با کمی افت فشار هم روبه‌رو شدیم. ولی بی‌انصافی است اگر این شرایط را مقایسه کنیم با برخی کشورهای اروپایی که مجبور شدند بن تپیه زغال توزیع کنند یا وسایل چوبی خانه‌های‌شان را بسوزانند تا گرم شوند.

من البته این وسط ذهنم درگیر آنهایی بود که اتفاقاً در فضای گرم خانه‌های‌شان نشسته بودند یا اگر سر کار نرفتند، چندان هم اهل مراعات نبودند و اگر به محل کارشان سر می‌زدی می‌دید شوفرآژ روشن است که خدای ناکرده اگر بعد از دو روز برگشتند سرکار، سردشان نشود. آن وقت غرهم می‌زدند که چرا می‌گویید گاز کم است. واقعاً باورم این است که به جای تعطیلی برخی ادارات لازم است برخی آدم‌ها را تعطیل کرد و برای همیشه فرستاد منزل!

حتماً ما هم همان طرفی از جامعه ایستاده‌ایم که برخی از شرایط اقتصادی گله‌مند هستند. اصولاً قاعده کار ژورنالیستی همین است اما از قواعد همین شغل، انصاف هم هست. پس اگر قرار است درباره تعطیلی حرف بزنیم باید حتماً از کارخانه‌هایی هم بگوییم که در طول مدتی که دولت جدید روی کار آمده است از حالت تعطیل



رصد

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۳۳ ■ ۲۹ دی ۱۴۰۱

نوجوان  
۱۳۳۳



حسین  
شکیب‌راد  
سردبیر  
نوجوان